

رامپور صدرنبوی

زن شاغل

اصولاً منظور از شغل چیست و زن شاغل کیست؟ «شغل عبارت از تعهدی است که انسان در مقابل مؤسسه‌ای برای انجام تکالیف درازمدت می‌کند و در ضمن از طریق آن امرار معاش می‌نماید»<sup>۱</sup>. شغل علاوه بر این که تعهدات درازمدت و امرار معاش را در بر دارد بقول ماکس وبر<sup>۲</sup> برای فرد شاغل مقام و شأن خاصی از نظر اجتماعی ایجاد می‌کند که تعیین‌کننده شخصیت اجتماعی نیز هست<sup>۳</sup>. شغل زن بنا به شرایط محیطی مختلف تحول یافته و بر اساس مقتضیات هر زمان در ابعاد متفاوتی شکل گرفته است. تا آغاز قرون جدید مهم‌ترین تکلیف زن، خانه‌داری و عهده‌دار شدن کارهای مربوط به منزل بود. بنابراین تعلیم و تربیت زن در زمینه علوم و فنون به علت این که سرنوشت شغلش از پیش تعیین شده بود،

1— Vgl : Der kleine Brockhaus. A-K B d. l. Eberhard Brockhaus.

Wissbaden 1952. S. 124.

2— Max. Weber.

3— Vgl : Woerterbuch der Soziologie hersg. Vom Wilhelm. Berns-

dorf, Ferdinand Enke Verlag, Stuttgart. 1968, S. 78.



مورد توجه قرار نمی گرفت . و این خود مانعی بزرگ و واقعی در راه پیشرفت اجتماعی وی بود<sup>۴</sup> .

صنعتی شدن اقتصاد و مسئله نیاز روز افزون به نیروی انسانی ماهر زن وجود او را جزء یکی از پربهاترین عوامل تولید قرارداد . تعداد بسیاری از زنان در نتیجه پرداختن به فعالیتهای اقتصادی به مرور از کارخانه داری کاسته بر کوشش خود در مشاغل اقتصادی در خارج از منزل افزودند . در آغاز نهضت صنعتی شدن اقتصاد ، زنان بعلت نداشتن مهارت کافی ، به انجام کارهای سخت با دستمزدهای ناگزیر بودند . اما با گذشت زمان و پیشرفت آموزش بانوان در زمینه علوم و فنون ، مشاغل بهتری را بدست آوردند . نهضت زنان نیز به مرور در جهت پیشبرد منافع اقتصادی و کسب آزادی آنان نضج گرفت . بایپاشدن این نهضت در کشورهای صنعتی زن در مقابل مرد ، خانواده و اجتماع اهمیتی خاص بدست آورد . در جنگهای اول و دوم جهانی بعلت کاهش تعداد مردها زنان پستهای حساس تر اداری را ، اعم از مقامات عالی رتبه ارتشی و یا کارهای مهم اداری ، عهده دار شدند و بخوبی قادر به اجرای مسؤولیتهای مهم گردیدند و توانستند ثابت نمایند که زن هم می تواند مشاغلی را که مرد جزء قلمرو انحصاری خویش می داند بخوبی انجام دهد . در نیمه دوم قرن بیستم زنان در قسمت اعظم جهان بعنوان نیروی انسانی مساوی با مردها قادر به ابراز وجود شده در اکثر موارد بعنوان جایگزین نیروی انسانی مرد جای خویش را باز نمودند .

برای برخی از زنان شاغل بودن جنبه تفنّن و سرگرمی را داشته در حقیقت درآمدی که از این راه کسب می کنند از نظر آنها اهمیت اقتصادی

4— Vgl : Glass. F,D. Kische : Die Wirtschaftlichen und sozialen Verhaeltnisse der berufstaetigen Frau. Leipzig 1929. S. 15. ff.



چندانی ندارد. علاوه بر این برای بسیاری از آنها شغل مسائلی را به همراهی آورد که در رابطه با زندگی آینده شان حائز اهمیت می گردد. انگیزه شغلی گروهی از دختران داشتن سرگرمی و ممر معاش است که پس از ازدواج به علل مختلفی، مثلاً نارضائی همسر آن را ترك گفته خانه داری را اختیار می کنند. از این دسته گروهی هم حتی پس از ازدواج به علت نیازمادی به شغلی که قبل از ازدواج داشته اند ادامه می دهند. برخی از زنان شغل قبل از ازدواج را با رضایت شوهر ادامه می دهند. آن دسته از زنانی که شغل را بعنوان وسیله تفنن و سرگرمی انتخاب نموده اند، نسبت به شغل خود احساس رابطه ای عمیق روانی نمی نمایند و بهمین علت هر لحظه امکان دارد آن را ترك نمایند. در آثار مشاغل به این نوع اشتغال شغل حقیقی نمی گویند زیرا چنان که آمد شاغل فردی است که بر اساس ضرورت مادی از شغل خویش بعنوان ممر معاش درازمدت استفاده نماید و علاوه بر این تعهدات طویل المده ای در برابر حرفه خود داشته باشد و ضمناً شغل جزء لاینفک زندگیش گردیده باشد.

زن در رابطه با شغل تابع شرایط جسمانی و ساختمانی روانیش می باشد. بدین معنی که از عهده برخی از مشاغل بخوبی برآمده از انجام پاره ای از کارها معذور است. چنان که کارهای ظریف را که نیاز به دقت زیاد دارد به راحتی انجام می دهد، در حالی که از عهده کارهایی که نیروی جسمانی زیادی می طلبند، از قبیل اشتغال در معادن، بر نمی آید. در تجربه ثابت شده است که اگر زن و مرد دوشغل مساوی داشته باشند هر کدام در نحوه اجرای آن سلیقه خاص خود را اعمال می نمایند. بطور کلی زن در انجام کارها سرعت و آهنگ خاصی دارد که معلول قوانین زندگی روانی و جسمانی اوست. برخلاف مرد که در اجرای تکالیف شغلی بیشتر قادر به بی طرفی و پرهیز از دخالت دادن احساسات و عواطف فردی است<sup>۵</sup>، زن به علت احساسی بودن کمتر

5— Vgl: Pheil. Elisabeth: Die Berufstaetigkeit von Muttern. Tue-



بی طرف می ماند و غالباً در اجرای تکالیفش تحت تأثیر شدید عواطف شخصی قرار می گیرد. حتی گاه قواعد و ضوابط را - در صورتی که قوانین عمومی محیط شفلی اجازه دهد - فدای عواطف خویش می نماید. اما از طرفی دیگر دیده شده است که زن در امر تطبیق با حرفه ای معین سریع تر از مرد پیش رفته است. ولی بعلت تبعیت شدید از نوسانات عاطفی، در رابطه با مراجعین حساس و زودرنج بوده است. این واقعیت بیشتر در مواردی که شغل زن مناسب شرایط روانیش نبوده مشاهده شده است. بعنوان مثال از زنانی که در پستهای اجرایی مربوط به تقسیم کالا و امکانات اجتماعی فعالیت دارند می توان یاد کرد. مراجعین در این گونه موارد از حساسیت زن سوء استفاده کرده گاه نیز باعث پیدایش برخورد ورنجشهای شدید که منتهی به کناره گیری وی از کارش شده است می شوند. بنابراین به نسبتی که شغل زن موافق روحیه و ساختمان وجودیش باشد تضادهای محیط کار کاهش یافته امکان بروز ضعف بهنگام اجرای مسئولیت تقلیل می یابد. مثلاً اگر از زنان در کارهایی چون خدمت در بیمارستانها و یا امور تربیتی در سطح کودکان تا سطوح دبیرستان و بالاتر استفاده شود، هم از امکان پیش آمدن درگیریهای شدید با مراجعین پیش گیری می شود و هم فعالیت آنها ثمر بیشتر خواهد داشت. علاوه بر این بکارگرفتن بانوان برای مشاغلی که رابطه مستقیم با خدمات اجتماعی و کمکهای رفاهی دارند نتیجه مثبت درخور ملاحظه ای برای اجتماع خواهد داشت. زیرا زن بعلت عاطفی بودن شدید در این گونه مشاغل نسبت به مرد از ظرافت عمل بیشتر برخوردار است. در بخشهای مربوط به بافندگی، نساجی و خیاطی و مشاغل مربوط به مد اخیراً از زنان



استفاده می‌شود به نحوی که نیروی انسانی زن به نسبت قابل اهمیتی جایگزین نیروی مرد در این بخشها شده است و زنها کارآئی خود را در این زمینه‌ها به خوبی به ثبوت رسانیده‌اند.<sup>۶</sup>

پیشرفت صنعتی در جهات گوناگون باعث شده است که زنان از مشاغل بافندگی و نساجی به مرور وارد حرفه‌های مشابهی که مورد نیاز اقتصاد است بشوند و از این راه در محور کارهای فنی نیز قرار گیرند. در کنار این واقعیت تعداد زیادی از زنان بعلت نیازمادی وارد مشاغلی شده‌اند که احتیاج به تخصص نداشته و بهمین لحاظ دستمزد ناچیزی دارند. انجام این قبیل کارهای بی‌اهمیت غالباً موافق روحیه زنان نبوده اکثر اسباب تحقیر و دشواریهای روانی را برای آنان فراهم نموده است. غالباً زن در رابطه با این گونه مشاغل احساس ناچیز بودن و حقارت کرده و این احساس را به محیط خانواده و رابطه با همسرش وارد ساخته است. و دیری نگذشته که برای اعضای خانواده در رابطه با شغل نامناسب خویش مسائل بفرنجی را بوجود آورده است. در این زمینه دو دانشمند معروف بویل بای<sup>۷</sup> و هی‌یر<sup>۸</sup> تحقیقات مفصلی نموده و به این نتیجه رسیده‌اند که در اکثر مواردی که شغل زن با شرایط روانی و جسمانی نامناسب بوده و یا از نظر مرد نامطلوب احساس شده است نتایج ناگوار برای فرزندان و تربیت آنها داشته است<sup>۹</sup>. علاوه بر این

6— Vgl : Pheil. É : Die Familie im Gefuege der Grosstadt. Hamburg. 1965. S. 36. f.f.

7— G. Bowlby.

8— H. Heyer.

9— Vgl : Soziologie. Berufstaetige I'rau und Familie. A. G. Chartschew. S. I. Golod. Dietz. Verlag. Berlin. 1972. S. 30. ff.



بازده کار این گونه زنان - بعلمت تضادهای خانوادگی و عدم تعادل روانی بهنگام کار - در سطحی بسیار پائین بوده است . اما در واقعیت نیاز به رشد اقتصادی بیشتر ، احتیاج روز افزون تولید کننده به نیروی انسانی ، سبب شده که در بازار کار نیروی انسانی زن نیز چون مرد بشدت مورد تقاضا قرار گیرد و از این طریق بر تعداد زنان شاغل که بر اساس ضرورت تولید درآمد، ونه مصالح و امکانات روانی، به کارهای نامناسبی گماشته می شوند افزوده گردد<sup>۱۰</sup> . و از این گروه تعداد زنانی که تربیت کودکان خود را بخاطر کسب درآمد رهامی سازند افزایش می یابد . مسأله مهم در این رابطه خاص اینست که چه چیز جای غیبت مادر را در خانواده خواهد گرفت . متأسفانه اکثر اقدامات اجتماعات مترقی در این زمینه قادر به جبران کاهش حضور مادر شاغل در خانواده نبوده است، چنان که بسیاری از ناسازگار یهای نوجوانان، به نسبت های گوناگون از این نقیصه منشاء گرفته است<sup>۱۱</sup> .

بقول کرناز<sup>۱۲</sup> و یوهاخیم کاخ<sup>۱۳</sup> زن شاغل در جامعه همیشه دو تعهد مهم را قبول کرده است . یکی تربیت اولاد و دیگری منضبط بودن در رابطه با شغل<sup>۱۴</sup> .

10— Vgl : Oeter, F : Die Familie und Gesellschaft. S. 45. ff.

11— Vgl : Wurzbacher, Gerhard : Der Mensch als soziales und Personales Wesen. Beitrage zum Begriff und Theorie der Sozialisation. S. 20.

12— Cornaz.

13— Johachim. Kachk.

14— Vgl : Soziologie. Berufstaetige frau S. 50.



به نظر کنگره سال ۱۹۶۸ جامعه‌شناسان در پراگ، تا هنگامی که نگهداری و تربیت اولاد با مادر شاغل باشد نارسائی زن در زمینه شغل و خانواده اجتناب ناپذیر است.<sup>۱۵</sup>

کرناز جامعه‌شناس فرانسوی اشاره می‌کند که «بسیاری از زنان بعلل مادی و اقتصادی محض مجبور به پذیرش کارهایی هستند که منجر به برهم زدن آرامش و نظام جاری خانواده می‌گردد. فن کلین<sup>۱۶</sup> جامعه‌شناسی دیگر در خصوص کارنیمه وقت زن تحقیقاتی انجام داده و به این نتیجه رسیده است که «در طبقات پائین تعداد بسیار اندکی از زنان کارنیمه وقت دارند و اکثر فرزندان زنان شاغل اروپائی از غیبت مادر در خانه رنج می‌برند»<sup>۱۷</sup>. در پایان این نتیجه منطقی حاصل می‌شود که زن اروپائی بین تربیت اولاد و افزایش درآمد از راه شغل یکی را باید انتخاب نماید.<sup>۱۸</sup>

فن کلین که در خصوص دشواریهای ناشی از شغل مادر تحقیقات جالبی دارد و ذکر مختصری از نتایج نهائی پژوهشهایش را آوردیم در خصوص عدم تناسب نوع کار زن شاغل با شرایط جسمانی و روانیش معتقد است که ماشینها و اصولاً محیط کار بیشتر کارخانه‌هایی که زنان در آنها مشغول بکار

15— Vgl : A. G. Chartschew. S. I. Golod. Soziologie. Berufstaetige frau S. 46. ff.

16— Von. Klein.

17— Vgl : V. Klein. Britains Married women. Workers. S. 52. Vgl : Soziologie. Berufstatige frau und familie. S. 26.

18— Vgl : Richter, Horst-Eberhard : Eltern, Kind und Neurose.

Stuttgart. S. 35.



هستند متناسب با شرایط جسمانی و روحی مردها ساخته نشده است و زنان برای تطبیق دادن خویش با این شرایط دچار مشکلاتی می‌شوند. نتیجه مستقیم این وضع خستگی زودرس از محیط کار و کاهش بازده تولیدی آنها است. و این خستگی به شکل نوعی دلمردگی و بی‌حوصلگی به خانواده منتقل شده و آثار نامطلوبی بر اطفال و بر رابطه زن و شوهر وارد می‌سازد. علاوه بر این به نظر فن. کلین کثافت برخی از محیط‌های صنعتی بر روحیه زن اثر نامطلوب می‌گذارد. چنان‌که برخی از زنها علاوه بر صدمات روانی که از این طریق متوجه‌شان شده است پس از مدتی بی‌نظافتی محیط کار را به خانواده منتقل ساخته و این خود بر رابطه آنان با فرزندان و شوهرشان اثر نامساعدی داشته است.<sup>۱۹</sup>

در بخش کشاورزی نیز نیروی انسانی زن به اندازه قابل توجهی فعال است. در این بخش زنان در شرایط نامساعدی بسر برده و غالباً مجبور به انجام کارهای دشوار و نامناسب با شرایط جسمی و روانی‌شان می‌باشند. این وضع امر اجتماعی شدن فرزندان و رابطه مرد و زن را به نحوی که در بخش صنایع ذکر شد - البته با تفاوت‌هایی - نامساعد می‌سازد. در بخش صنایع اخیراً راه پیشرفت زنان در کارهای دفتری، از قبیل حسابداری، ماشین‌نویسی و مدیریت، گشوده شده است و از این طریق یک گروه شفلی تقریباً جوان در کنار گروه زنان معلم با تعهد مسؤلیتهای مهم به وجود آمده است. بنابه آماري که اخیراً به دست آمده است در روسیه شوروی، یوگوسلاوی، بلغارستان و رومانی نصف تمام زنان ساکن این کشورها شاغل می‌باشند. در آلمان غربی اطریش، دانمارک، چکسلواکی تقریباً یک سوم مجموعه زنان شاغل هستند؛ در فنلاند، فرانسه و لهستان کمی بیشتر از یک سوم؛ در انگلیس، سوئیس، ایتالیا یک چهارم؛ در سوئد،

19— Vgl: Classen, Dieter: Familie und Wertsystem, S. 70.



هلند ، بلژیک و آمریکا يك پنجم و در کانادا و مکزیک تقریباً تعدادی کمتر از يك پنجم مجموعه زنان از نظر آمار مربوط به اشتغال دارای شغل حقیقی می باشند<sup>۲۰</sup> ، در حالی که تعداد زیادی از آنها مادر خانواده می باشند و به نسبتی که بیشتر وقت خود را به کار در خارج از منزل اختصاص می دهند بهمان اندازه فرزندان آنها بامسأله دوری از مادر و عوارض آن مواجه می شوند<sup>۲۱</sup>.

این مسأله هنوز مسأله کشورمان نیست . چون در ایران تعداد زنانی که بطور رسمی شاغل هستند از نظر آماری به حدی نرسیده است که برای جامعه شناسی خانواده ایجاد مسائل حاد تربیتی بنماید . ولی احتمالاً در آینده نزدیکی ما نیز به سر نوشت جوامع صنعتی دچار خواهیم شد . بجاست که بعنوان پیشگیری از هم اکنون که هنوز مهار ساختن مسأله اشتغال زن امکان پذیر است راهنمایی شفلی در مورد زنان بر اساس موازین علمی و سنجیده انجام پذیرد و عوارض سوء ناشی از دور بودن مادر از کودک با تدابیر لازم به حداقل برسد<sup>۲۲</sup>.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

20— Vgl. Staatslexikon. Recht, Wirtschaft Gesellschaft. Hersg. Von der Groerres-gesellschaft. 6. Auflage. Dritter Band. Erbschaftssteuer. Bis Harzburger font. 1959. Verlag. Herder. Freiburg. S. 503.

21— Vgl. Goode, W. J. Die Struktur der Familie. S. 56. ff.

22— Goode. W. J. Soziologie der Familie Grundfragen der Soziologie Hersg. Juventa. Verlag. Muenschen. 1967. S. 141. ff.



## مراجع

- 1— Pheil. Elisabeth : Die Berufstaetigkeit Von Muttern. Tuebingen. 1961.
- 2— Rosenmayer, Leopold, Und Eva Koeckeis : Umwelt Und Familie alter Menschen. Neuwied/Berlin. 1965.
- 3— Toman, W : Familienkonstellationen Muenschen. 1965.
- 4— Richter, Horst-Eberhard : Eltern und Neurose. Stuttgart. 1963.
- 5— Classen. Dieter : Familie und Wertsystem. Berlin. 1962.
- 6— Goode. William. J : Die Struktur der, Familie, Koeln, Opladen, 1966.
- 7— Oeter, Ferdinand : Familie und. Gesellschaft, Tuebingen. 1966.
- 8— Phil, E : Die Familie im Gefuege der grossstadt. Hamburg. 1965.
- 9— Woerterbuch der Soziologie. Hersg. Vom Wilhelm. Bernsdorf Ferdinand Enke Verlag. Stuttgart 1968.
- 10— Chartschew. A. G. : Soziologie. Berufstaetige Frau und Familie, Dietz Verlag. Berlin. 1972.
- 11— Wurzbacher, Gerhard : Der Mensch als Soziales und Personales Wesen. Beitrage Zu Begriff und Theorie der Sozialisation Aus der Sicht der Soziologie Psychologie, Arbeitswissenschaft Stuttgart. 1963.
- 12— Herman, H : Beitrage Zur Problematik der Ausserhaeueslichen Erwerbstaetigkeit Verheirateter Frau. Muenschen. 1955.